

☆ دکتر محمد سلیم مظهر

پارسی سرایان ایرانی دوره بهمنی شبه قاره

بهمنیان یکی از سلسله های مهم سلطنتی شبه قاره است که از ۷۴۹-۹۳۳ م / ۱۳۴۷-۱۵۲۶ م نزدیک به ۱۸۵ سال در دکن و مناطق اطراف آن حکمرانی کردند- (۱) این سلسله سلطنتی با فروپاشی حکومت تغلق شاهیان (تغلقیان) به وجود آمد- علاء الدین حسن کانگو ملقب به بهمن شاه، بنیانگذار این سلسله در ۷۴۸ ق / ۱۳۴۷ م بر تخت نشست- وی در مدتی کوتاه پس از پادشاهی خود، گلبرگه، که بعدها پایتخت بهمنیان شد، و مناطق دیگر را فتح کرد و به مرزهای سلطنت خود گسترش داد و در ۷۵۹ ق / ۱۳۵۹ م درگذشت- (۲)

پس از بهمن شاه ۱۷ تن به نوبت به پادشاهی رسیدند که از میان آنان محمد شاه اول (حک ۷۵۹-۷۷۴ ق / ۱۳۵۸ - ۱۳۷۵ م) تاج الدین فیروز شاه (حک ۸۰۵-۸۲۵ ق / ۱۳۹۷-۱۴۲۱ م) احمد شاه اول (حک ۸۲۵-۸۳۸ ق / ۱۴۲۱-۱۴۳۵ م) احمد شاه دوم (حک ۸۳۸-۸۴۲ ق / ۱۴۳۵-۱۴۵۷ م) و محمد شاه دوم (حک ۸۶۷-۸۸۷ ق / ۱۴۴۳-۱۴۸۲ م) از پادشاهان برجسته این خاندان بودند- (۳)

مرزهای قلمرو بهمنیان در دوره حسن کانگواز طرف شمال به منطقه برار (Brar)، و از شرق به تلنگانه (Talangana) و رود کیستنا (Keestana) می رسید، این مناطق در حال حاضر بخش عمده مناطق بمبئی (Bombay) فعلی در جنوب سورت (Surat) و جزا عظم مناطق

☆ عضو هیئت علمی گروه ادبیات فارسی، دانشگاه پنجاب لاهور

نظام دکن (Deccan) رادیرمی گیرد، افزون بر آن گاه گاه پادشاهان بهمنی دکن، به زور شمشیر راجاهای تلنگانه ووجیانگر (Vigianagar) رامجبور به پرداخت خراج و اظهار تبعیت نسبت به حکومت بهمنی می کردند.

در دوره علاء الدین احمد دوم، مناطق کنکان (Kankan) به تصرف بهمنیان درآمد و سلاطین مجاور خاندیش (Khandesh) و گجرات نیز از آنان شکست خوردند. در سال ۸۷۵ ق / ۱۴۷۱ م محمد شاه دوم تا منطقه اریسه (Oreesa) پیش روی کرد و بلگائون را شکست داد و بدینگونه قلمرو بهمنیان از یک دریا تا دریای دیگر گسترش یافت و تمام مناطق دکن زیر فرمان آن درآمد. (۴)

گسترش مرزهای سلطنت بهمنی پی آمدهایی به دنبال داشت که در نتیجه آنها، این سلطنت متحربه تجزیه در ایالتهای جدید مانند عماد شاهیان، نظام شاهیان، برید شاهیان و عادل شاهیان شد و خاندان بهمنی برافتاد. (۵)

بهمنیان مانند اغلب پادشاهان مسلمان شبه قاره دانش و فرهنگ دوست بودند و به ویژه به ادب و شعر فارسی بسیار علاقه داشتند. (۶) آنان به شاهزادگان حتی در دبستان، عالی ترین نمونه ادب فارسی یعنی بوستان سعدی شیرازی را می آموختند. (۷) "نوروز" جشن سال نو ایرانی را باشکوه ویژه ای برگزار می کردند. بسیاری از ارباب علم و ادب در عهد آنان فارسی سرا و فارسی نویس بودند. بیشتر امیران و مشایخ تصوف، ایرانی بودند و گاه چنان نفوذی می یافتند که تعیین سلاطین آن سلسله به رای و نظر آنان بستگی داشت. (۸)

پادشاهان بهمنی به ویژه سلطان شهاب الدین احمد شاه (حک ۸۲۵-۸۳۸ ق / ۱۴۲۱-۱۴۳۵ م) و از او به بعد مریدان شاه نعمت الله

ولی کرمانی (د- ۸۳۴ ق) بودند و با سلسله نعمت اللهی بسیار ارادت داشتند- احمد شاه بهمنی، از شاه نعمت الله ولی کرمانی برای رفتن به دکن دعوت کرد، ولی او نتوانست بدانجا برود، چنانکه نوادگان خود رابه دکن فرستاد، شاهان بهمنی دکن دختران خود رابه ازدواج آنان دادند- (۹)

دوره بهمنیان همزمان بود با استیلای تیموریان در ایران که برای مناطق فارسی زبان ناآرامی ها به دنبال داشت، در حالیکه، اوضاع سیاسی در قلمرو بهمنیان بسیار آرام بود، در دربارهای آنان از مهمانان به ویژه ایرانیان با دلگرمی پذیرایی می شد- در این دوره موجهای عظیمی از غریبه ها، واژه ای که به ویژه برای ایرانیان به کار می رفت، و شاهان اصطلاح "عزیز" رابه جای آن رواج دادند به دکن و دیگر نقاط شبه قاره رو آوردند- مهاجران ایرانی که بسیاری از آنان اهل فضل و دانش و ادیب و هنرمند بودند، به جهات سیاسی و قصد گریز از سخت گیریهای مذهبی، اوضاع ناآرام و مسائل اقتصادی به آن سرزمین روی می آوردند و در پرتوامنیت و گشاده دستی و فرهنگ دوستی شاهان و امیران دکن به سر می بردند (۱۰)

در زیر شرح حال چند شاعر مهاجر در این دوره با نمونه های شعری و بررسی کوتاه سبک و اندیشه آنان آورده می شود-

سید مطهر

سید عزالدین مطهر پسر عبدالله پسر علی حسینی (۱۱)، از شاعران ایرانی سده ۸ هجری است که به شبه قاره مهاجرت کرده است- نام وی را احمد گلچین معانی به نقل از مجموعه ای از منتخبات اشعار او بدینگونه آورده است: "السید مجتبی الاعظم ابی طاهر مطهر بن عبدالله بن علی الحسنی

الحسینی-“ (۱۲) شرح حال نویسان وی به سبب شباهت نامی، اورا با مطهر کره ای، شاعر فارسی زبان (شبه قاره) صاحب ”نصاب الصبیان“ یکی پنداشته، احوال هر دورا مخلوط کرده اند- (۱۳) درباره تاریخ تولد و شرح حال اوائل زندگی مطهر آگاهی های روشنی در دست نیست، جزاینکه وی در ایران به دنیا آمد، در ستایش شاه شجاع (حک ۷۳۳-۷۸۴ ق / ۱۳۳۳-۱۳۸۴ م) قصیده هایی سرود و پس از ۷۸۲ ق / ۱۳۸۰ م به هند (دکن) رفت و با دربار فیروز شاه بهمنی (حک ۸۰۰-۸۲۵ ق / ۱۳۹۷-۱۴۲۱ م) پیوست- وی در وصف آن پادشاه قصائدی سرود و در همانجا در گذشت- (۱۴)

سید مطهر دیوان ۵ هزاربیتی را در انواع شعری از قصیده، غزل و قطعات از خود به جا گذاشته است که بیشتر آن قصیده هادر مدح فیروز شاه، امیران، وزیران و بزرگان دربار اوست- (۱۵) به گفته استاد گلچین معانی، مطهر از شاعران توانای قرن هشتم هجری است و اشعاری هموار و سلیس و مطبوع دارد- وی از خاندانی بزرگ است و به طوری که از سروده هایش برمی آید، حکیم، فقیه و واعظ و دبیر و خطاط نیز بوده (۱۶) خود مطهر نیز در اشعارش به علم و فضل خود بالیده است:

در علم و فضل نیست چومن مفتی و حکیم
در نظم و نثر نیست چومن شاعر و دبیر
من همنشین شاهم و هم همنژاد خان
من همدم امیرم و هم همسر وزیر
در ذهن چون سنائی و در طبع چون ادیب
در خط چون ابن مقله و در لفظ چون ظهیر
نشنیده گوش ملک کیهان مرا مثال
نادیده چشم گنبد گردان مرا نظیر

از مطالعه شعرهای مطهر که گلچین معانی آنها را در مقاله ای به عنوان "سید مطهر" آورده برمی آید که وی شاعری است ساده گو، به بحرهای مختصر گرایش بیشتری دارد. واژه های عربی و ترکیبات غریب و غیر متداول در سروده هایش کمتر دیده می شود. اغلب قصیده هایش با خطاب به ساقی آغاز می شود و میخانه و باده گساران و جز آنها از موضوعهای مهم شعروی است. از نظر سبک وی پیرو شاعران سبک خراسانی است.

نمونه های شعری

عشق جز خستگی و خواری نیست
 کار او جز فغان و زاری نیست
 عاشق از غم گریز نتواند
 که ضروری است، اختیاری نیست
 دلستانان چو تیغ بر گیرند
 چاره جز صبر و جانسپاری نیست
 ای که یادی نیاری از یاران
 یاد کن کاین طریق یاری نیست
 در حق دوستان فراموشی
 شرط یاری و دوستداری نیست
 مست و مدهوش زی که از اندوه
 جز بدین نوع رستگاری نیست

ساقیا جام ارغوانی ده
 وز میم عمر جاودانی ده
 پس به جامی ده زان سه ساله مدام
 پیر صد ساله را جوانی ده

تا رود ناتوانی از تن ما
 باده چندان که می توانی ده
 جام می را به جان ما کن نرخ
 من نگویم که رایگانی ده
 چشم ما را ز خاک میخانه
 سرمه خاص اصفهانی ده (۱۷)

علی شاه قلندر اصفهانی

علی شاه معروف به "قلندر" و "ابدال" عارف و شاعر ایرانی الاصل سده ۱۰ ق / ۱۶ م است که به شبه قاره مهاجرت کرد- (۱۸) درباره زندگانی وی آگاهی روشنی در دست نیست جز اینکه او ظاهرادر اصفهان به دنیا آمد و دانشهای متداوله را در همانجا فرا گرفت- مدتی همراه نورالدین عبدالرحمان جامی (د- ۸۹۸ ق / ۱۴۹۲ م) در خراسان نیز به سربرد و نزد وی چنان احترام داشت که به گفته هاشمی سندیلوی (۱۹)، جامی در امامت وی نماز گذارد-

علی شاه قلندر را تذکره نویسان صاحب کشف و کرامات، ابدال و عاقلی دیوانه و کاملی فرزانه نیز گفته اند- (۲۰) وی ظاهرا در دوره بهمنیان (۷۴۸ - ۹۳۳ ق / ۱۳۴۷ - ۱۵۲۴ م) برای سیرو گردش به هندوستان رفت- از علی شاه ۳ بیت شعر به جا مانده است- موضوع این بیتها عرفان است و شاعر در آنها با تعبیرات و واژه های محازی، به سبک ساده، عشق حقیقی خود را بیان کرده است- شعرهای علی شاه بدینگونه است:

انگشت نبردیم به سوی نمک کس
 کاخر سرانگشت ندامت نگزیدیم (۲۱)

من رند بی سرویا ز غم تو غم ندارم
 زغم تو آنچنانم که غم تو هم ندارم (۲۲)

مست و بد حال اینچنین یارب چه خواهد گفتنم
 (پاکدامانی) بدین آلوده دامان بگذرد (۲۳)

آذری اسفراینی

نامش نورالدین محمد بن عبدالملک است (۲۴) پدرش در زمان "سربداران (۲۵)" در اسفراین و بیهق صاحب اختیار بود و نسب وی به معین صاحب الدعوه احمد بن محمد الزمعی المروزی می رسد- (۲۶) آذری در ۷۸۳ ق / ۱۳۸۲ م در اسفراین به دنیا آمد (۲۷) وی به دلیل این که مدتی در "طوس" زندگی کرد به "طوسی" نیز شهرت یافت- به گفته خود از آنجا که در ماه "آذر" به دنیا آمد خود را "آذری" نامید- (۲۸) اودر عنفوان جوانی به شعر سرایی پرداخت و بدان سبب شهرت یافت و به دربار میرزا شاهرخ پسر تیمور (حک ۸۰۷ - ۸۵۰ ق / ۱۴۰۳-۱۴۴۷ م) پیوست و مدتی ملک الشعراء او بود- در آن روزگار حالش منقلب گردید و قدم در کوی فقر نهاد و سود و زیان به باد فنا داد و به صحبت شیخ محی الدین طوسی (د- ۸۳۰ ق / ۱۴۲۷ م) مشرف شد- (۲۹)

آذری پنج سال در خدمت شیخ به تحصیل علم حدیث و تفسیر پرداخت و هنگامی که شیخ محی الدین به سفر حج می رفت با او هم سفر شد و پس از مرگش در ۸۳۰ ق / ۱۴۲۷ م در حلب به حلقه مریدان شاه نعمت الله ولی (د- ۸۳۸ ق / ۱۴۳۴ م) پیوست؛ مدتی پیش وی ماند و سپس برای دو مین بار پیاده به سفر حج رفت- (۳۰)

آذری پس از طی مراحل سلوک و دومین سفر حج و اقامت در

مکه به شبه قاره رفت و به دربار سلطان احمد شاه اول (حک ۸۲۵ - ۸۳۸ ق / ۱۴۲۱ - ۱۴۳۵ م) از سلاطین بهمنی دکن و گلبرگه پیوست و ملکه الشعرای دربار آنان شد و با قصیده سرائی در مدح وی صله های گران دریافت کرد و به دستور سلطان سرودن "بهمن نامه" را آغاز کرد. وقتی به داستان آن پادشاه (سلطان احمد شاه) رسید از وی برای بازگشت به اسفراین اجازه خواست. پادشاه گفت: "مرا از فوت سید محمد گیسو دراز (د- ۸۲۵ ق / ۱۴۲۱ م) کلفتی عظیم روی نموده است و وصال تو رافع مواد غم والم است، میسند که به فراق تو نیز مبتلا گردم" - شیخ با مشاهده این لطف از طرف سلطان، اقامت در هندوستان را ادامه داد و فرزندان خود رانیز از اسفراین به شبه قاره فراخواند. (۳۱)

احمد شاه بهمنی وقتی شهر بیدر (۳۲) را بنا نهاد و جهت دارالاماره قصر بزرگی در آن احداث کرد، آذری در وصف آن قصر شعر سرود که دوبیت از آن بدینگونه است:

چیدا قصر مشید که ز فرط عظمت
 آسمان سده ای از پایه این درگاه است
 آسمان هم نتوان گفت که ترک ادب است
 قصر سلطان جهان احمد بهمن شاه است (۳۳)

این اشعار آذری بر سر در قصر کنده شد، چنانکه روزی چشم شاه بر این اشعار افتاد، از فرزند خود علاء الدین پرسید که این شعر از کیست، وی گفت، نتیجه طبع شیخ آذری است -- شاه را خوش آمد. شهزاده فرصت را غنیمت دانسته به شاه عرض کرد که شیخ به مقتضای "حب الوطن من الایمان" اراده ولایت دارد و می گوید، اگر حضرت رخصت فرمایند، نیمه ثواب حج اکبر که کرده ام پیشکش می نمایم - در نتیجه شاه با انعام و اکرام به وی

اجازه مراجعت به میهن خود داد- (۳۴) آذری در سپاس از این لطف و بخشندگی در ستایش آن شاه برفور این رباعی را گفت و تقدیم وی کرد:

صواب کرد که پیدا نکرد هر دو جهان
یگانه داور دادار بی نظیر و همال
وگر نه هر دو ببخشیدی او به وقت کرم
امید بنده نماندی به ایزد متعال (۳۵)

آذری پس از مراجعت به خراسان به زهد و عبادت پرداخت و خانه نشین شد و بر در خانه هیچکس از ارباب دولت التجا نبرد بلکه "به تبرک اصحاب دین و دولت و ارباب ملک و ملت طالب صحبت او بودندی (۳۶)" - وی ۳۲ سال در این حالت فقر و درویشی گذراند و در سن ۸۲ سالگی (۸۴۴ ق / ۱۴۴۲ م) در اسفراین در گذشت و در همانجا در قسمت شمالی شهر به خاک سپرده شد - آرامگاه وی تا زمان دولت شاه سمرقندی (زنده در ۸۹۲ ق) زیارتگاه مردم بود- (۳۷) خواجه اوحد مستوفی ماده تاریخ مرگش را "خسرو (= ۸۴۴) یافت و چنین سرود:

دریغا آذری شیخ زمانه
که مصباح حیاتش گشت بی ضو
چو او مانند خسرو بود در شعر
از آن تاریخ موتش گشت خسرو (۳۸)

شیخ آذری به نظم و نثر آثاری بدین شرح به یادگار گذاشته است:

۱- بهمن نامه: اثر منظوم وی در پیروی از شاهنامه فردوسی و اسکندرنامه نظامی، در بحر متقارب، در شرح سلطنت سلاطین بهمنی (حک ۸۴۷-۹۳۳ ق / ۱۴۴۲ - ۱۵۲۷ م) آذری این منظومه را

به فرمان احمد شاه بهمنی در ذکر تاریخ سلاطین آن خاندان از آغاز تا سلطنت احمد شاه به نظم در آورد و سپس به خراسان بازگشت و در آنجا با توجه به قول خود با احمد شاه، هر چه می سرود به دکن می فرستاد- بهمن نامه دکنی تا داستان سلطان علاء الدین شاه (حک ۸۴۲-۸۴۵ ق/ ۱۴۵۷-۱۴۴۱ م) از شیخ آذری است، سپس ملا نظیری و ملا سامعی و دیگر شعرا تا انقراض دولت بهمنیه آن را منظوم کرده اند- اگرچه محمد قاسم فرشته که "تاریخ" وی از مستند و مهمترین منابع اطلاعات درباره بهمنیان است- بهمن نامه را در منابع خود ذکر کرده است، (۳۹) ولی از این کتاب هیچ نسخه خطی یا چاپی به دست نرسیده است-

۲- عجائب الغرائب : مثنوی دیگر آذری در عجائب و غرائب شهرها، (چشمه ها) و (بناها) و جانوران و جز آنها و استنتاجهای عرفانی مشتمل بر چهار باب- آذری این کتاب را در مقدمه آن به "مرات" نیز نامیده است- استاد احمد منزوی از چهار نسخه خطی این کتاب سراغ داده است- (۴۰)

۳- جواهر الاسرار : اثر دیگر آذری در چهار باب در علم بلاغت و نقد شعر و سخن، که آذری آن را در ۸۳ ق/ ۱۴۲۸ م نوشت و بعدا به آن تجدید نظر کرد- گزیده ای از این کتاب به نام "منتخب جواهر الاسرار" همراه با "اشعة اللمعات جامی" و برخی رساله های دیگر در ۱۳۰۳ ق/ ۱۸۸۲ م در تهران به چاپ رسیده است- از این کتاب چهار نسخه خطی در پاکستان نگهداری می شود- (۴۱)

۴- عروجیه : رساله منظوم دیگری از آذری دارای چهار برگ که دستنویس آن در دانشگاه کتابخانه مرکزی تهران به شماره ۳۲۳۵۸ نگهداری می شود-

۵- دیوان شعری: آذری دیوان شعری را که دارای قصائد، غزلیات، ترجیع بند و مقطعات و رباعیات است، نیز از خود به جا گذاشته که به گفته خواندمیر: "در میان ابنای روزگار اشتهار دارد (۴۲)" - این دیوان در کتابخانه ملک در تهران به شماره ۴۹۳۸ نگهداری می شود.

نمونه های شعری

ای آنکه نیست تاب جمال تو دیده را
هرگز نبود حسن تو هیچ آفریده را
وصف کسان شنیده و حسن تو دیده ایم
با دیده اعتبار نباشد شنیده را
حاجت به تیر غمزه و تیر عتاب نیست
نازی بس است عاشق هجران کشیده را
ز نهار آذری ز کجان راستی مجوی
نتوان چو راست کرد نهال خمیده را (۴۳)

گر کند بدرقه لطف تو همراهی ما
چرخ بر دوش کشد حاشیه شاهی ما
کحل توفیق کرم لطف تو در دیده کشید
بخت بیدار زند نوبت آگاهی ما
در آن گنج که بر روی ملائک بستند
هست وابسته به یک آه سحر گاهی ما (۴۴)

السلام ای خسروان کشور دارالبقا
السلام ای محرمان بارگاه کبریا

السلام ای رهنمایان صراط مستقیم
 السلام ای حکم فرمایان احکام قضا
 السلام ای سروران زمره دارالسلام
 السلام ای قاتلان لشکر نفس و هوا
 السلام ای حامیان قوم و سالاران خلق
 پیشوایان امم یعنی رسولان خدا (۴۵)

ملا نظیری طوسی

ملا نظیری طوسی، شاعر ایرانی سده ۹ ق / ۱۵ م است که به شبه قار مهاجرت کرد- (۴۶) از نسبت طوس که بانامش مذکور است، معلوم می شود که اودر طوس یا توابع آن به دنیا آمد- وی مدتی در خدمت شاه نعمت الله ولی کرمانی (۴۷) (د- ۸۳۴ ق) بود و از او کسب فیض کرد و ظاهرا پس از آن رهسپار شبه قاره شد و در دکن (احمد آباد بیدر) با خواجه محمود گاوآن (مقتول - ۸۸۴ ق / ۱۴۰۵ م) پیوست و به وسیله او منصب ملک الشعرا بی دربار بهمنی رابه دست آورد- (۴۸)

ملا نظیری در دوره همایون شاه بهمنی معروف به ظالم (حک ۸۶۵-۸۸۷ ق / ۱۴۶۱-۱۴۶۳ م) ظاهرا به فرمان همو با شاه حبیب الله (د- ۸۴۳ ق / ۱۴۵۹ م) فرزند شاه خلیل الله (۴۹) نواده شاه نعمت الله ولی زندانی شد و به سفارش یوسف ترک رهایی یافت و سپس بیشترزندگانی خود را در دکن در خدمت شاه حبیب الله به سربرد-

از آنجا که وی قطعه ای در ماده تاریخ مرگ نظام شاه بهمنی (د- ۸۶۷ ق / ۱۴۴۳ م) سروده، می توان گفت که تا ۸۴۵ ق زنده بود-

ملا نظیری افزون بر اینکه در سرودن منظومه "بهمن نامه" با

ملا سامعی (زنده در ۸۸۷ ق) همکاری داشته، (۵۰) دیوان شعری نیز از خود به جا گذاشته است. "بهمن نامه" مثنوی است در تاریخ بهمنیان که آذری اسفراینی آن را تا دوره احمد شاه بهمنی منظوم کرده بود. (۵۰) دستنویس دیوان شعری ملا نظیری که دارای غزلها، قصیده ها، قطعات و رباعیات در ۴۰ برگ است، در موزه بریتانیا با شماره ۷۹۳۰ نگهداری می شود. (۵۱) این دیوان در مجموعه ای همراه با دیوان یا جنگهای شاعران دیگر مانند نایلی، وجدی و صابری از برگ ۱۸۱ الی ۲۲۱ است و به خط نستعلیق در سده ۱۱ ق/ ۱۷ م کتابت شده است.

در حال حاضر به سبب عدم دستیابی به دستنویس دیوان ملا نظیری، تنها دو قطعه شعر از وی به دست آمده است (۵۲) که یکی از آنها را شاعر از زندان برای نظام شاه بهمنی سروده و او را از ستمهایی که وی بر مظلومان روا داشته، بر حذر داشته است. قطعه دیگر در ماده تاریخ مرگ نظامشاه است که در واقع ملا نظیری در آن نفرت مردم و خودش نسبت به آن پادشاه ستمکار بیان کرده است.

هر دو قطعه ملا نظیری بدینگونه است:

ای ظالم از آه دل شب خیز بترس
وز نفس بد شوم شرانگیز بترس
مژگان نم آلوده مظلومان بین
وز خنجر آبدار خونریز بترس

همایون شاه مرد و رست عالم
تعال الله زهی مرگ همایون

جهان پر ذوق شد تاریخ فوتش
هم از ذوق جهان آرید بیرون (۵۳)

منابع

- ☆ آذری اسفراینی، دیوان، نسخه خطی در کتابخانه ملک، تهران،
به شماره ۵۹۳۸
- ☆ آقابزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۹، تهران ۱۳۳۳ ش
- ☆ اردو دائره معارف اسلامیه، ج ۱، ۲، لاهور، ۱۹۸۰ م
- ☆ تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و هند، جمعی از
نویسندگان، ۳ جلد، لاهور ۱۸۷۱-۱۹۷۲ م
- ☆ تاریخ دولتهای اسلامی و خاندانهای حکومتگر، جمعی از
نویسندگان، به ترجمه صادق سجادی، ۲ جلد، تهران ۱۳۷۰ ش
- ☆ حسن خان، سید علی، صبح گلشن، بهویال، ۱۲۹۵ ق
- ☆ خواند میر، غیاث الدین بن همام حسینی، حبیب السیر، ۴ جلد،
به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، ۱۳۵۳ ش
- ☆ دائره المعارف بزرگ اسلامی، ۷ جلد، زیر نظر کاظم موسوی
بجنوردی، تهران ۱۳۷۵-۱۳۷۸ ش
- ☆ دولتشاه سمرقندی، تذکره الشعراء، به کوشش محمد عباسی،
تهران ۱۳۳۷ ش
- ☆ رازی، امین احمد، هفت اقلیم، به کوشش جواد فاضل، ۳ جلد،
تهران، بی تا
- ☆ سلیم مظفر، محمد، آذری اسفراینی، شاعر و عارف خراسانی قرن
نهم، مجله "دانش" شماره ۴۳، اسلام آباد، سال ۱۳۷۴ ش
- ☆ صبا، محمد مظفر حسین، روز روشن، به کوشش محمد حسین
رکن آدمیت، تهران ۱۳۴۳ ش
- ☆ صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات، ۵ جلد، تهران، ۱۳۷۲ ش
- ☆ صفا، ذبیح الله، حماسه سرایی فارسی، تهران، ۱۳۷۰ ش

- ☆ عقیلی، سیف الدین، آثار الوزراء، به کوشش جلال الدین محدث ارموی، تهران ۱۳۳۷ ش
- ☆ فرزام، حمید، تحقیق در احوال و نقد آثار و افکار شاه نعمت الله ولی، تهران، ۱۳۷۴ ش
- ☆ فرشته، محمد بن قاسم هندوشاه، تاریخ ۲ جلد، کانپور ۱۸۸۴ م
- ☆ گلچین معانی، احمد، سید مطهر، مجله دانشکده ادبیات مشهد، سال ۲- شماره، بهار ۱۳۴۵ ش
- ☆ لین پول، استانلی، طبقات سلاطین اسلام، به ترجمه عباس اقبال، تهران ۱۳۱۲ ش
- ☆ محمود گاوآن، ریاض الانشا، به کوشش شیخ چاند حسین، حیدرآباد دکن، ۱۸۸۴ م
- ☆ مشایخ فریدنی، آرمیدخت، خدمات بهمینیان به نشر فرهنگ و تمدن ایران در دکن، در مجموعه سخنرانیهای نخستین سمینار پیوستگی های فرهنگی ایران و شبه قاره، ج ۱، اسلام آباد، ۱۳۷۴ ش
- ☆ منزوی، احمد، فهرست نسخه های خطی فارسی، ج ۴، تهران، ۱۳۵۱ ش
- ☆ نذیر احمد، تاثیر مجیر بیلقانی در اشعار سراجی خراسانی، مجله قند پارسی، شماره ۶، دهلی، سال ۱۳۷۲ ش
- ☆ نفیسی، سعید، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ۲ جلد، تهران، ۱۳۷۳ ش
- ☆ هاشمی سندیلوی، احمد علی، مخزن الغرائب، ۵ جلد، به کوشش محمد باقر، اسلام آباد، ۱۹۷۱-۱۹۹۲ م
- ☆ هدایت، رضاقلی خان، ریاض العارفین، به کوشش محمد علی گرگانی، تهران ۱۳۴۴ ش
- ☆ همو، مجمع الفصحا، ج ۱، به کوشش مظاهر مصفا، تهران، ۱۳۳۶ ش

☆ Fatema Husaini, Bilqis, A Critical Study of Indo Persian Literature During Sayyid and Lodi Period, Delhi, 1991, A.D

☆Rieu, ch., catal....

پی نوشتها

- ۱- برای اطلاعات بیشتر درباره این سلسله رجوع شود به: فرشته، تاریخ، ج ۱، صص ۲۷۳-۲۷۶ مشایخ فریدنی، آزمیدخت، صص ۲۲۹-۲۲۹: عقیلی، صص ۲۳۳-۲۳۴: اردو داتره معارف اسلامی، ج ۵، صص ۱۴۵-۱۶۵: تاریخ دولتهای اسلامی، ج ۲، صص ۵۲۸-۵۲۹: لین پول، صص ۲۸۶-۲۸۸
- ۲- فرشته، تاریخ، ج ۱، ص ۲۸۲: لین پول، صص ۲۸۶-۲۸۷
- ۳- فرشته، تاریخ، ج ۱، ص ۲۹۵ به بعد: لین پول، صص ۲۸۸-۲۸۷
- ۴- لین پول، ص ۲۸۷
- ۵- فرشته، تاریخ، ج ۱، صص ۳۷۴-۳۷۶
- ۶- برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به: عقیلی، صص ۲۳۳-۲۶۴
- ۷- مشایخ فریدنی، آزمیدخت، ص ۲۲۹
- ۸- همو، صص ۲۲۹-۲۳۰
- ۹- فرزاد، صص ۲۳۰-۲۳۴
- ۱۰- مشایخ فریدنی، آزمیدخت، صص ۲۳۰-۲۳۱
- ۱۱- نذیر احمد، قند پارسی، ص ۱۲۹، نفیسی، تاریخ نظم و نشر، ج ۱، ص ۲۱۵
- ۱۲- گلچین معانی، سید مطهر، ص ۱۱۰
- ۱۳- برای آگاهی بیشتر رجوع شود به: گلچین معانی، سید مطهر، صص ۱۰۱-۱۰۲، نذیر احمد، قند پارسی، صص ۱۲۷-۱۴۸، هدایت، مجمع الفصحا، ج ۱، صص ۱۱۷۱-۱۱۷۳
- ۱۴- نفیسی، تاریخ نظم و نشر، ج ۱، ص ۲۱۵، نذیر احمد، قند پارسی، ص ۱۲۹
- ۱۵- گلچین معانی، سید مطهر، ص ۱۱۰
- ۱۶- همو، ص ۱۰۱
- ۱۷- همو، صص ۱۱۲-۱۱۴-۱۱۵
- ۱۸- هاشمی سندیلوی، ج ۳، صص ۴۶۹-۴۷۰، هدایت، ریاض العارفین، ص ۳۷۱، علی خان، ص ۲۹۲، صبا، ۵۶۲
- ۱۹- هاشمی سندیلوی، ج ۳، ص ۴۷۰
- ۲۰- همو، ص ۴۶۹، هدایت، ریاض العارفین، ص ۳۷۱

- ۲۱- هاشمی سندیلوی، ج ۳، ص ۴۶
- ۲۲- همو، ص ۴۷، صبا، ص ۵۶۲، هدایت، ریاض العارفین، ص ۳۷۱، حسن خان، ص ۲۹۲
- ۲۳- حسن خان، ص ۲۹۲، صبا، ص ۵۶۲
- ۲۴- آقا بزرگ، ج ۹، ص ۳، سلیم مظهر، ص ۴۸
- ۲۵- خاندان "سردار" بر سبزواری مناطق اطراف آن از ۱۳۳۷/۷۳۸ م تا ۱۳۸۶/۷۸۸ م حکومت کردند- اولین سرداران این خانواده عبدالرزاق و آخرین موید بود (روضه الصفا، خواند میر، بمبئی، ۱۲۶۶ ق، ج ۵، ص ۱۷۹ به بعد)
- ۲۶- دولت‌شاه سمرقندی، ص ۳۰۰
- ۲۷- سن آذری، در ماخذ هشتاد و دو سال نوشته شده است، حواجه او حد مستوفی ماده تاریخ در گذشتش را "حسرو (= ۸۴۴) یافت، ترجمه نگاران دیگر آذری نیر مرگ وی را در سال یاد شده نوشته اند، بنا بر این وی در سال ۷۸۴ ق به دنیا آمده است-
- ۲۸- فرشته، تاریخ، ج ۱، ص ۳۲۶
- ۲۹- دولت‌شاه سمرقندی، ص ۳۰۰
- ۳۰- همو، ص ۳۰۱
- ۳۱- فرشته، تاریخ، ج ۱، ص ۳۲۵
- ۳۲- بیدر (محمد آباد) شهری است در هندوستان که پایخت بهمنیان و برید شاهیان بوده است- در حال حاضر این شهر در ایالت حیدرآباد دکن واقع است- از آثار باستانی آن معلوم می شود که این شهر پیش از ورود مسلمانان به این منطقه نیز شهر مهمی بوده است (اردو دائره معارف اسلامیه لاهور، زیر عنوان "بیدر")
- ۳۳- فرشته، تاریخ، ج ۱، ص ۳۲۵
- ۳۴- فرشته، تاریخ، ج ۱، ص ۳۲۵
- ۳۵- همو، ص ۳۲۵
- ۳۶- دولت‌شاه، ص ۳۰۱
- ۳۷- همو، ص ۳۰۱
- ۳۸- همو، ص ۳۰۱
- ۳۹- فرشته، تاریخ، ج ۱، ص ۳۲۸
- ۴۰- منزوی، فهرست نسخه ها، ج ۴، صص ۳۰۰-۳۰۰۲

- ۴۱- آقا بزرگ، ج ۹، ص ۳، سلیم مظهر، ص ۴۸
- ۴۲- خواند میر، ج ۱، ص ۶۱، برای شرح بیشتر درباره دیوان و شعر سرایی
آذری رجوع شود به: سلیم مظهر، صص ۴۸-۶۳
- ۴۳- آذری اسفراینی، ص ۱۲۹
- ۴۴- همو، ص ۱۲۳
- ۴۵- همو، صص ۱۴-۱۵
- ۴۶- فرشته، تاریخ، ج ۱، ص ۳۴۳: Fatema Husaini, p.39
- ۴۷- برای آگاهی بیشتر درباره او رجوع شود به: فرزاد، حمید، ص ۱۳
به بعد
- ۴۸- فرشته، تاریخ، ج ۱، ص ۳۴۳: Fatema Husaini, p.39
- ۴۹- برای آگاهی بیشتر درباره او رجوع شود به: فرشته، تاریخ، ج ۱
صص ۳۳۸-۳۳۹، ۳۴۱-۳۴۲
- ۵۰- فرشته، تاریخ، ج ۱، ص ۳۴۳: Fatema Husaini, p.40
- ۵۱- فرشته، تاریخ، ج ۱، ص ۳۴۳: Rieu, vol II, p.142
- ۵۲- فرشته، تاریخ، ج ۱، ص ۳۴۳: Fatema Husaini, p. 40
- ۵۳- فرشته، تاریخ، ج ۱، ص ۳۴۳: Fatema Husaini, p. 40
-